

کتاب یوئیل و کلیسای لائوڈیکیہ ادونتیسست روز ہفتم - شمارہ نوزدہ

Jeff Pippenger

2025-12-25

شمارہ نوزدہم

شیر سبط یہوداہ یسوع کا ایک نام ہے، جو مسیح کے اس کام پر زور دیتا ہے کہ اُس نے اپنے نبوتی کلام پر مہر لگائی اور پھر اُسے کھولا۔ مکاشفہ کے پانچویں باب میں شیر سبط یہوداہ، جو داؤد کی جڑ بھی ہے، اُس کتاب کو کھولنے کے لیے غالب آیا۔ داؤد کی ”جڑ“ یسی تھا، اور یسی کی جڑ فارص تھا، اور اُس کی جڑ یہوداہ تھا، اور اُس کی جڑ یعقوب تھا، اور اُس کی جڑ اسحاق تھا، اور اُس کی جڑ ابراہیم تھا۔ داؤد یا یسی کی جڑ، جب شیر سبط یہوداہ کے ساتھ تعلق میں مذکور ہوتی ہے، ابتدا اور انتہا کے اصولوں پر زور دیتی ہے، یعنی الفا اور اومیگا۔ جب مکاشفہ کے پہلے باب میں یسوع مسیح کا مکاشفہ ہے مہر کیا جاتا ہے تو اُس کے کردار کی بنیادی صفت یہ ہے کہ وہ الفا اور اومیگا ہے۔ وہ جو ہے، وہی وہ اصل بھی ہے جسے اُن پیشین گوئیوں کو مہر کرنے کے لیے بروئے کار لایا جاتا ہے جن پر شیر سبط یہوداہ نے مہر لگائی ہے، جب وہ یہ مقرر کرتا ہے کہ وقت آ پہنچا ہے۔

گشودہ شدن کلام نبوی خدا بخشی از کار نجات بخش اوست، زیرا او قدرت کلام خود را به کار می گیرد تا بر وفق ارادۀ خویش، احیایا را پدید آورد. خواہر وایت می گوید کہ ہنگامی کہ کتاب های دانیال و مکاشفہ بہتر فہمیدہ شوند، در میان ما احیایی عظیم دیدہ خواہد شد. این نور کلام نبوی خداست کہ بر وفق ارادۀ او، احیا و اصلاح را پدید می آورد.

خواہر وایت، در نگرستن بہ ایام آخر، بہ اصلاحی عظیم اشارہ می کند کہ در روزهای واپسین در میان قوم خدا بہ وقوع می پیوندد. احیایا و اصلاحات تاریخ مقدس، ہمگی از کلام خدا پدید آمدند، و ہر یک از آن ادوار مقدس بہ آخرین احیا و اصلاح عظیم اشارہ داشت کہ اندکی پیش از قانون یکشنبہ آغاز می شود. آن احیایا از گشودہ شدن مہر کلام خدا پدید می آیند. ہفت رعد مہر شدہ بودند، همان گونہ کہ کتاب دانیال در باب دوازدهم مہر شدہ بود.

ہنگامی کہ ویژگی های نبوی یک دورہ پراکندگی را کہ با نماد ۱۲۶۰ پیوند دارد بہ کار می بریم، درمی یابیم کہ در مکاشفہ یازدہ، موسی و ایلیا سہ روز و نیم در کوچہ افتادہ و مردہ اند. تا آیہ ہجدہ، زمان غضب خدا فرا رسیدہ است. موسی و ایلیا قوم خدا را درست پیش از پایان مہلت آزمایش انسان نمایندگی می کنند. آنان بہ مدت ۱۲۶۰ روز نمادین در کوچہ های سدوم و مصر، جایی کہ عیسی مصلوب شد، پراکنده اند.

موسی اور الیاس کو آیت تین سے لے کر آیت سات تک اپنی گواہی دینے کے لیے قوت بخشی گئی، جہاں وہ گلی میں قتل کیے جاتے ہیں۔ یوحنا نے آیت دو میں ہیکل کی پیمائش مکمل کی، پھر موسی اور الیاس کو ٹاٹ اوڑھے اپنی گواہی دینے کے لیے قوت دی گئی۔ الیاس اور موسی کا پیغام 1844 میں فیلادلفیائی ملیرائی ایڈونٹ ازم کو دیا گیا، اور 1863 تک اُن کی آوازیں اُن رسوم و روایات کے نیچے دفن ہو گئیں جو نسل در نسل منتقل ہوتی چلی آتی ہیں۔ اُنہیں ساڑھے تین برس تک، ”ٹاٹ“ اوڑھے، اپنی گواہی دینے کے لیے قوت بخشی گئی؛ ”ٹاٹ“ 1863 کے بعد سے بڑھتی ہوئی تاریکی کی ایک علامت ہے۔

ہر گاہ تعریف خواہر وایت از «ہفت رعد» را - بہ مثابہ نمایانگر رویدادہای فرشتہ اول و دوم - بہ شیوہ «سطر بر سطر» بہ کار بگیریم، تاریخی را بنا می کنیم کہ با فرود آمدن فرشتہ ای با پیامی آغاز

می‌شود؛ اما در الگوی «سطر بر سطر»، آن فرشته هم فرشته اول است و هم فرشته دوم. یکی در 11 اوت 1840 پای خود را بر خشکی و پایی را بر دریا نهاد، و دیگری در نومییدی 19 آوریل 1844 ظاهر شد.

نشانه بعدی در هر تاریخ موازی، دست خداست که با الواح حقوق مرتبط است. در مورد فرشته اول، جدول ۱۸۴۳ تهیه شد، اما در برخی از ارقام آن اشتباهی وجود داشت. در مورد فرشته دوم، دست خدا نشانه راه الواح حقوق است؛ و هنگامی به تصویر کشیده می‌شود که او دست خود را از آن اشتباه برداشت. هنگامی که او دست خود را برداشت، پیام به تدریج تکامل یافت تا به اوج خود در اجتماع اردویی اکستر برسد، درست پیش از سرخوردگی ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴.

دو خط، پیامی جهانی را مشخص می‌سازند، زیرا فرشته‌ای که می‌آید یک پا بر خشکی و پای دیگر بر دریا می‌گذارد، و الهام به ما آگاه می‌سازد که این نمایانگر پیامی جهانی است. این فرشته همچنین آغاز زمان درنگ را در مثل ده باکره معین می‌کند. در این نخستین نشانه راه نیز دست خدا را می‌بینیم که دروغی پدید می‌آورد. در ۱۹ آوریل ۱۸۴۴، از لحاظ نبوی چنین به نظر می‌رسید که رؤیا دروغ گفته است، اما آنان که صبر داشتند، انتظار کشیدند، و هرچند رؤیا درنگ نمود، دروغ نگفت. اما هنگامی که خطی که در حال بنا کردن آن هستیم آغاز می‌شود، دروغ نخستین نومییدی به عنوان یکی از ویژگی‌های نخستین نشانه راه مشخص می‌گردد.

پس نشانه دست خدا و الواح حقوق نشان می‌دهد که خدا اشتباهی را می‌پوشاند و سپس دست خود را از آن اشتباه برمی‌دارد. در تاریخ میلریتی، آن اشتباه به اراده خدا در ماه مه 1842، هنگامی که نمودار چاپ شد، مجاز شمرده شد، و آن اشتباه پس از آن، هنگامی آشکار گردید که سال 1843 به پایان رسید؛ اما مدتی بعد بود که خداوند دست خود را از آن اشتباه در اعداد برداشت. آن اشتباه از ماه مه 1842 تا زمانی در جایی پس از نخستین نومییدی ادامه داشت. برای فرشته اول، دست خدا و الواح حقوق در ماه مه 1842 مشخص شده است، اما برداشتن دست او در تاریخ فرشته دوم اندکی پس از نخستین نومییدی خواهد بود.

این، نشانه راه «دست» را به عنوان یک دوره نبوی معرفی می‌کند؛ دوره‌ای که با پوشاندن یک اشتباه به وسیله دست او آغاز می‌شود، و سپس با برداشته شدن دست او از آن اشتباه پایان می‌یابد. این دوره پوشاندن و آشکار ساختن به وسیله دست او، تصویری از کار شیر سبط یهودا است، آنگاه که او نور نبوی را نخست مهر می‌زند و سپس مهر آن را می‌گشاید. او حقیقت را پوشانید، سپس همان حقیقت را آشکار ساخت—در نوری متفاوت که با نور نخستین در تضاد نبود. او این کار را به منظور پدید آوردن احیا و اصلاح فریاد نیمه شب میلری انجام داد.

د فریشتی په راتگ سره چې د ځنډ موده پیل شوې وه، هغه مهال پای ته ورسېده کله چې د هغه لاس لرې شو؛ په دې توګه نبوي رڼا له مهره ووتله، او همدا هغه څه وو چې د «اوومې-میاشتې غورځنګ» یې پیل کړ، هغه غورځنګ چې د Exeter د کمپ په غونډه کې د «نیمې شپې د فریاد» پیغام ته ورسېد، هلته چې دا پیغام د سمندر د مد په څېر په یوه ستره څپه بدل شو، تر هغې چې په لویې ناهیلۍ کې ترلې دروازې ته ورسېد. د خدای د قدرت څرګندونه، چې د هغه د کلام د مهر پرانیستل کېدو له لارې وشوه، یوه پرله پسې زیاتېدونکې بیا راژوندي کېدنه او اصلاح یې راوړل.

در سال ۱۸۶۳، جنبش میلری لائودکیه از عبور از اردن منع شد، و به سبب سنگسار کردن ایلیا و موسی، به بیابان گماشته گردید. پیام ویلیام میلر، پیام ایلیا بود، و پیام بنیادین میلر همان «هفت زمان» موسی بود. رد کردن «هفت زمان» به معنای کشتن موسی بود، و رد کردن حقیقت بنیادینی که میلر مطرح ساخته بود، به معنای کشتن ایلیا. در سال ۱۸۶۳، رسول و پیام در کوچه کشته شدند، و از آن نقطه به بعد، تنها راه یافتن ایشان این بود که قبورشان در طریق‌های کهن ارمیا جست‌وجو شود. ایشان در کوچه مرده بودند—یعنی تا هنگامی که زنده شوند. ایشان زمانی زنده می‌شوند که «وقایع

آینده هفت رعد» که «به ترتیب خود آشکار خواهند شد» تکرار شود—در تاریخ یکصد و چهل و چهار هزار.

هنگامی که تاریخ فرشته اول بر فراز تاریخ فرشته دوم قرار داده می‌شود، ساختار نبوی نقطه‌ای مرجع پدید می‌آورد تا دست مسیح را دنبال کنیم؛ دستی که نوری است بر مسیر فریاد نیمه‌شب. نور اصلی فریاد نیمه‌شب مسیر را روشن می‌سازد، و این نور «بازوی راست پرچمال» اوست که راه را به سوی بالا در آن مسیر رهبری می‌کند.

«به نظر می‌رسید که در میان نور احاطه شده‌ام و از زمین پیوسته بالاتر و بالاتر برده می‌شوم. برگشتم تا قوم ادونتی را در جهان بجویم، اما آنان را نیافتم؛ آنگاه صدایی به من گفت: "بار دیگر بنگر، و اندکی بالاتر نظر افکن." پس چشمان خود را بلند کردم و راهی راست و تنگ دیدم که در بلندی، far above the world, افراشته شده بود. بر این راه، قوم ادونتی به سوی شهری که در انتهای دوردست راه قرار داشت، سفر می‌کردند. در آغاز راه، نوری درخشان در پشت سر ایشان برپا شده بود که فرشته‌ای به من گفت آن "فریاد نیمه‌شب" است. این نور در سراسر راه می‌تابید و برای پای‌های ایشان روشنایی می‌بخشید تا مبادا بلغزند.»

«اگر چشمان خود را بر عیسی، که درست پیش روی ایشان بود و آنان را به سوی شهر هدایت می‌کرد، ثابت نگاه می‌داشتند، در امان بودند. اما به‌زودی برخی خسته شدند و گفتند که شهر بسیار دور است و انتظار داشتند که پیش از این به آن داخل شده باشند. آنگاه عیسی با برافراشتن بازوی راست پرچمال خود آنان را دلگرم می‌ساخت، و از بازوی او نوری پدید می‌آمد که بر فراز گروه ادونتیسست به اهتزاز درمی‌آمد، و ایشان فریاد می‌زدند: "هلولویه!" دیگران با بی‌پروایی نوری را که پشت سرشان بود انکار کردند، و گفتند که این خدا نبود که آنان را تا این‌جا هدایت کرده بود. نور پشت سر ایشان خاموش شد و پاهایشان را در تاریکی کامل فرو گذاشت، و آنان لغزیدند و نشان و نیز عیسی را از نظر گم کردند، و از راه به پایین، به درون جهان تاریک و شریر زیر اقتادند.»
Christian Experience and Teachings of Ellen G. White, 57

هنگامی که مسیح بازوی جلال‌آمیز خود را برمی‌افرازد، او از «دست» خود به‌عنوان نمادی از کار هدایت قوم خویش استفاده می‌کند. هنگامی که آمدن فرشته دوم را با فرشته نخست که در ۱۱ اوت ۱۸۴۰ نازل شد در کنار هم قرار می‌دهیم، درمی‌یابیم که هر دو فرشته پیامی در دستان خود داشتند.

«به من نشان داده شد که تمامی آسمان چه علاقه‌ای به کاری که بر زمین در جریان بود، داشت. عیسی به فرشته‌ای نیرومند مأموریت داد تا فرود آید و ساکنان زمین را هشدار دهد که خود را برای ظهور دوم او آماده سازند. هنگامی که آن فرشته حضور عیسی را در آسمان ترک کرد، نوری بس درخشان و جلال‌آمیز پیشاپیش او می‌رفت. به من گفته شد که مأموریت او این بود که زمین را با جلال خویش روشن سازد و انسان را از غضب در شرف وقوع خداوند هشدار دهد. ...»

«فرشته‌ای نیرومند دیگر مأمور شد تا به زمین فرود آید. عیسی نوشته‌ای در دست او نهاد، و چون به زمین آمد، ندا درداد: "بابل سقوط کرد، سقوط کرد." سپس بار دیگر دیدم آنان که نومید شده بودند، چشمان خود را به آسمان برمی‌افراشتند و با ایمان و امید در انتظار ظهور خداوند خویش بودند. اما بسیاری چنان می‌نمودند که در حالتی کودن‌وار، همچون خفتگان، باقی مانده‌اند؛ با این حال، من اثر اندوهی عمیق را بر چهره‌هایشان می‌دیدم. نومیدشدگان از روی کتب مقدس دریافتند که در زمان درنگ به سر می‌برند و باید با شکیبایی در انتظار تحقق رؤیا بمانند. همان شواهدی که ایشان را در سال 1843 به چشم‌به‌راهی خداوندشان رهنمون شده بود، آنان را به این انتظار رسانید که او در 1844 خواهد آمد. با این همه، دیدم که اکثریت، آن نیرویی را که در 1843 نشان ایمانشان بود، در خود نداشتند. نومیدی آنان ایمانشان را فرو نشانده بود.»
Early Writings, 246.

هر دو فرشته از میان سه فرشته‌ای هستند که در کنار هم یک نماد را تشکیل می‌دهند؛ از این رو از جهت پیامی که نمایندگی می‌کنند با یکدیگر هماهنگ‌اند، هرچند هر یک پیام یگانه خاص خود را نمایندگی می‌کند. هر دو فرشته در دست‌های خود «نوشته‌ای» دارند که نمایانگر یک آزمون است. «فرشته اول و دوم باید به موازات» فرشته سوم پیش روند.

«خداوند پیام‌های مکاشفه ۱۴ را در جایگاه خود در سلسله نبوت قرار داده است، و کار آن‌ها نباید تا پایان تاریخ این زمین متوقف شود. پیام‌های فرشته اول و دوم همچنان حقیقتی برای این زمان هستند، و باید به موازات پیامی که در پی می‌آید، پیش روند. فرشته سوم هشدار خود را با آواز بلند اعلام می‌کند. یوحنا گفت: «و بعد از این امور، فرشته‌ای دیگر را دیدم که از آسمان نازل می‌شد، و قدرتی عظیم داشت، و زمین از جلال او منور گردید.» در این روشنایی، نور هر سه پیام با هم متحد شده است.» The 1888 Materials, 803, 804.

خواهر وایت فرشته سوم را همان فرشته مکاشفه هجده معرفی می‌کند، و تصریح می‌نماید که فرشتگان اول و دوم باید به موازات تاریخ نبوی بازنمایی‌شده به وسیله فرشته سوم مکاشفه هجده پیش روند. بنابراین، او نزول فرشته اول در ۱۱ اوت ۱۸۴۰ را با 9/11 منطبق می‌سازد و مشخص می‌کند که فرشته مکاشفه هجده «فرشته سوم» است. فرشته سوم آخرین آن سه فرشته است، و نمونه آن در فرشته اول دیده می‌شود؛ و از این رو خواهر وایت به ما آگاهی می‌دهد که مأموریت فرشته اول با مأموریت فرشته مکاشفه هجده یکسان بود، زیرا مأموریت هر دو فرشته این بود که «زمین را به جلال خود روشن سازند.»

«هفت رعد» نمایانگر ترسیمی از رویدادها در درون تاریخ فرشته اول و دوم است که در تاریخ فرشته سوم تکرار خواهد شد. الهام رهنمود داده است که هنگامی که این تاریخ‌ها را «حکم بر حکم» در کنار هم قرار می‌دهیم، نزول فرشته اول در سال 1840 با نزول او در 9/11 هم‌تراز می‌شود. این امر پیامی آزمون‌کننده را مشخص می‌سازد که باید همراه با دو شاهد خورده شود، و یأس و ناکامی‌ای را با نخستین Waymark هم‌تراز می‌گرداند.

«هفت رعد» نمایانگر دوره نبوی‌ای است که با یک ناکامی آغاز می‌شود و با ناکامی‌ای بزرگ‌تر پایان می‌یابد.

جب پہلے فرشتے کے نزول کی نبوتی سلسلہ بندی کو دوسرے فرشتے کی آمد کے ساتھ ہم آہنگ کیا جاتا ہے، تو یہ "سچائی کی ایک ساخت" پیدا کرتی ہے۔ سچائی کی تعریف تین مراحل کے طور پر کی جاتی ہے، جن میں پہلا اور آخری ایک ہی ہوتے ہیں اور درمیانی مرحلہ بغاوت کی نمائندگی کرتا ہے۔ جب پہلے دو فرشتوں کو اس نقشے کے مطابق ہم آہنگ کیا جاتا ہے، تو پہلے اور دوسرے فرشتے پر مشتمل ایک ساخت وجود میں آتی ہے، جو مکاشفہ اٹھارہ کے تیسرے فرشتے کی تصویر پیش کرتی ہے، اور مکاشفہ اٹھارہ کا تیسرا فرشتہ پہلے اور دوسرے دونوں فرشتوں کا مجموعہ ہے۔

فرشته سوم مکاشفہ ہجده از دو صدا تشکیل شده است. صدای نخست هنگامی تحقق یافت که ساختمان‌های نیویورک در ۱۱ سپتامبر فرو ریختند، و صدای دوم آیہ چهار، قانون یکشنبه است. در فاصله زمانی از ۱۱ سپتامبر تا قانون یکشنبه، فرشته سوم مکاشفہ ہجده نمایانگر ترکیبی از فرشته اول و دوم است. چون واقعیت چنین است، به کار بردن تاریخ آن دو فرشته به صورت «خط بر خط» برای بازنمایی تاریخ فرشته سوم مکاشفہ ہجده، به معنای هم‌راستا ساختن فرشته اول و دوم با فرشته اول و دوم است.

دو فرشته به نخستین نومیدی می‌رسند، و هر دو فرشته از نظر نبوی با یکدیگر مرتبط‌اند، و هر دو دارای پیامی آزمون‌کننده هستند که در دست فرشته است. راه‌نشان بعدی که در این خط نمایان

می‌شود، الواح حبقوق است که به‌طور مستقیم با دستِ خدا مرتبط است. در خطِ فرشتهٔ اول، نمودار 1843 در ماه مه 1842 تهیه می‌شود، و در خطِ فرشتهٔ دوم، هیچ نموداری وجود نداشت. نمودار با رسیدن فرشتهٔ دوم به پایان رسیده بود. راه‌نشان لوح حبقوق در خطِ فرشتهٔ دوم، برداشتن دستِ خدا از یک اشتباه در ارقام نمودار 1843 است.

دستِ او خطایی را در نشانهٔ راهِ فرشتهٔ اول پوشانید، و دستِ او در همان نشانهٔ راه، در خطِ فرشتهٔ دوم، برداشته شد. بدین‌سان، نشانهٔ راهِ لوح‌های حبقوق در خطوطِ متوازیِ فرشتهٔ اول و دوم، نمایانگر دو گام است. در گام نخست، دستِ او خطایی را می‌پوشاند، و در پایانِ دورهٔ نشانهٔ راهِ لوح‌های حبقوق، او دستِ خود را برمی‌دارد. زمانِ تأخیر با ورودِ فرشتهٔ دوم آغاز شد، و زمانِ تأخیر به‌طور تدریجی، با آغاز برداشتن دستِ او، پایان می‌یابد. نشانهٔ راهِ لوح‌های حبقوق نمایانگر دوره‌ای از زمان است که در آغاز با دستِ مسیح و در پایان با دستِ او مشخص شده است.

دو دست در نخستین نومی‌دی علامت‌گذاری شده‌اند، و هر دو حامل پیامی آزمایشی هستند که باید گرفته و خورده شود. سپس دوره‌ای از زمانِ نبوی، که نمایانگر حقایق بنیادی است، آغاز می‌شود؛ با دستِ خدا که می‌پوشاند شروع می‌گردد و با دستِ او که برمی‌دارد پایان می‌یابد. نشانهٔ بعدی، اجتماع اردویی اکستر است، جایی که فریاد نیمه‌شب کسانی را که می‌خواهند دستِ مسیح را تا قدس‌الاقداص پیروی کنند، جدا و پاک می‌سازد.

جب مسیح اقدس‌الاقداص میں داخل ہوا، اُس نے اپنا ہاتھ آسمان کی طرف اٹھایا اور قسم کھائی کہ اب وقت نہ رہے گا۔ اُس نے ابھی ابھی "سات گرجوں" پر مہر لگا دی تھی جو پہلے دو فرشتوں کی تاریخ کی نمائندگی کرتی تھیں، اور تیسری کی تاریخ میں دہرائی جاتی ہیں۔ اُس نے "سات گرجوں" پر اُسی طرح مہر لگائی جیسے اُس نے دانی ایل کی پیشین گوئیوں پر بارہویں باب میں مہر لگائی تھی۔ دانی ایل کے بارہویں باب میں، تین علامتی ادوارِ وقت میں سے پہلے کے آغاز پر، مسیح اپنے دونوں ہاتھ آسمان کی طرف اٹھاتا ہے اور اعلان کرتا ہے کہ جب خدا کے لوگوں کا بکھیر دیا جانا پورا ہو جائے گا، تو وہ لوگ جو "باعثِ حیرت آدمی" بن جاتے ہیں، پاک کیے جائیں گے اور نذرانے کے طور پر بلند کیے جائیں گے۔ پہلے اور دوسرے فرشتوں کی جو ساخت ہم اس وقت زیرِ غور لا رہے ہیں، وہ علامتی طور پر ہر قدم پر خدا کے ہاتھ کو ظاہر کرتی ہے۔

كله چپ هغه حقيقت پٽ وي، نو مايوسي رامنځ ته كېږي؛ او كله چپ هغه خپل لاس ليرې كوي، رڼا پيدا كېږي، او دغه رڼا د نيمې شپې د فرياد د پيغام رڼا ده. له لومړۍ مايوسۍ څخه تر سترې مايوسۍ پورې د الفا او اوميگا نښه لېدل كېږي، او دا د حقيقت په جوړښت كې وړاندې شوې ده. پيل د پاى استازيتوب كوي، او د دغو دوو مايوسيو ترمنځ نښه د حبقوق د لوحو د مهرولو او مهرماتېدو اغېز انځوروي، چې دا د ارميا د پخوانيو لارو مهرماتېدل دي، او د هغه بنسټ استازيتوب كوي چې پرې معبد د يكشنبې د قانون څخه مخكې ودانېږي، كله چې بشپړ شوى معبد له ټولو غرونو څخه پورته اوچت كړل شي. د حقيقت په كلام كې منځنۍ نښه د بغاوت استازيتوب كوي، او په هغه تاريخ كې چې د غنمو او واښو په وروستي بېلتون سره تمثيل شوى، د ناپوهو پېغلو بغاوت څرگندوي.

بغاوت، که از طریق نشانهٔ راهِ الواح حبقوق به تصویر کشیده شده است، به‌مثابهٔ امری تدریجی بازنمایی می‌شود؛ زیرا آن یک نشانهٔ راهِ واحد نیست، بلکه دوره‌ای است با آغاز و پایان معین، چنان‌که به‌وسیلهٔ دستِ خدا نمایان شده است. دستِ خدا در نخستین ناامیدی دوبار ظاهر می‌شود، زیرا دو فرشته هستند که هر دو پیامی در دست‌های خود دارند. نشانهٔ راهِ بعدی بغاوت نیز دارای دستی در آغاز و دستی در پایان است؛ از این‌رو در ویژگی‌های نبوی خود آن نیز دو دست دارد. سومین نشانهٔ راهِ ناامیدی بزرگ‌تر، مسیح را نشان می‌دهد که دستِ خود را بلند کرده و به آسمان سوگند یاد می‌کند،

درست در همان عبارتی که هفت رعد مَهر شده‌اند، چنان‌که در دانیال فصل دوازده نیز چنین بود. دقیقاً در همان نقطه‌ای که فرشته پایان ساختار نبوی دو فرشته نخست را که اکنون در نظر داریم، مشخص می‌کند، او کاربرد زمان نبوی را به پایان می‌رساند و خویشتن را در عبارتی موازی در کتاب دانیال قرار می‌دهد، جایی که او نه یک دست خود را، بلکه هر دو دست خود را بلند می‌کند.

در دانیال دوازده سه دوره نبوی وجود دارد که در ایام آخر گشوده می‌شوند، زیرا این همان چیزی است که در ایام آخر بر قوم خدا واقع می‌شود. نخستین چیزی که در رؤیای نهایی و اوج‌گیرنده دانیال ذکر شده این بود که دانیال، که نماینده قوم باقی‌مانده خداست، هم آن امر و هم آن رؤیا را فهمیده بود. آخرین چیزی که دانیال ثبت می‌کند این است که چگونه افزایش معرفت به وسیله شیر سبط یهودا به کار گرفته شد تا احیا و اصلاح نهایی را در میان قوم خدا پدید آورد؛ همانانی که به عنوان فهم‌کنندگان متمایز شده‌اند. او مهر شدن قوم خویش را از طریق گشودن «هفت رعد» مکاشفه، در پیوند با گشودن «سه دوره» در دانیال دوازده، به انجام می‌رساند.

وقتی عیسی مشخص می‌سازد که در پایان سه‌ونیم روز نبوی پراکنده شدن قدرت قوم خدا، همه «شگفتی‌ها» به انجام خواهد رسید، او به ژوئیه ۲۰۲۳ اشاره می‌کند؛ زمانی که سه‌ونیم روز مرگ در کوچه‌های مکاشفه یازده به پایان رسید. اکنون شگفتی‌ها پیش از قانون یکشنبه به انجام می‌رسید. او ژوئیه ۲۰۲۳ را با بالا بردن نه یک، بلکه هر دو دست خود نشان‌گذاری کرد. بدین‌سان او پایان زمان درنگ را نشان‌گذاری می‌کرد، همان‌گونه که هنگامی که دست خود را از اشتباه در تاریخ میلریتی برداشت. نخستین نومی‌دی در ۱۸ ژوئیه ۲۰۲۰ رخ داد، چنان‌که به وسیله نخستین نومی‌دی میلریتی به صورت نمادین نشان داده شده است، و زمان درنگ آغاز شد و ادامه یافت تا آن‌که او بار دوم دست خود را دراز کرد تا قوم باقی‌مانده خود را در ژوئیه ۲۰۲۳ گرد آورد.

نخستین یأس با این امر نمایانده شده است که دست خدا خطایی را می‌پوشاند؛ خطایی که برای میلری‌ها عبارت بود از تعیین سال ۱۸۴۳ به جای ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴. آن یأس در آیه دوازدهم از باب دوازدهم نمایانده شده است. نخستین یأس با پوشانیدن خطا به وسیله دست او نمایانده شده، و به واسطه میلری‌هایی که به نخستین یأس رسیدند، به صورت نمونه پیش‌نگاشته شد. واژه در آیه دوازدهم «می‌رسد» است. خوشا به حال آن‌که انتظار می‌کشد و به ۱۳۳۵ «می‌رسد»؛ خوشا به حال آن‌که به یأس ۱۹ آوریل ۱۸۴۴ «می‌رسد». واژه‌ای که به «می‌رسد» ترجمه شده، به معنای «لمس کردن» است. میلری‌ها نخستین یأس خود را زمانی تجربه کردند که سال ۱۸۴۳ سال ۱۸۴۴ را لمس کرد. آیه دوازدهم از دانیال دوازده، نخستین یأس هر دو تاریخ ۱۹ آوریل ۱۸۴۴ را مشخص می‌کند، اما به طور مستقیم‌تر، نخستین یأس ۱۸ ژوئیه ۲۰۲۰ را.

نخستین دوره نبوی و آخرین دوره نبوی از آن سه دوره‌ای که در زمان آخر گشوده می‌شوند، هنگامی که معرفت افزایش می‌یابد و جداسازی نهایی گندم و گُرکاس را به انجام می‌رساند، و بدین‌سان گشوده‌شدن نور نبوی را که آن صد و چهل و چهار هزار تن را مهر می‌زند مشخص می‌سازد، همان یک دوره نبوی هستند.

دور نخست آیه هفتم، پایان پراکندگی سه روز و نیم مکاشفه یازدهم در ژوئیه ۲۰۲۳ است، و دوره مذکور در آیه دوازدهم، آغاز همان پراکندگی در ۱۸ ژوئیه ۲۰۲۰ می‌باشد. آلفا و اُمگا تاریخ هفت رعد را در دانیال دوازدهم به منزله تاریخی نشان داده بود که از یأس ۱۸ ژوئیه ۲۰۲۰ آغاز می‌شود و سه روز و نیم نمادین بعد، در ژوئیه ۲۰۲۳، پایان می‌پذیرد. به همان اندازه مهم است که آلفا و اُمگا، هنگامی که آغاز و پایان آخرین زمان تأخیر را مشخص ساخت، نه یک، بلکه هر دو دست خود را به سوی آسمان برافراشت و به آن‌که تا ابدالآباد زنده است، سوگند یاد کرد.

پسر خدا کہ پسر انسان است، با پدر سوگند می‌بندد، درست در همان‌جا کہ اوج داستان قوم عهد خدا آغاز شد؛ آنگاه کہ مسیح نخست ابرام را با وعده‌ای فراخواند، و سپس آن وعده را با سوگند استوار ساخت. کشف‌های خود را از پا بیرون آور، زیرا بر زمین مقدس ایستاده‌ای!

حرف میانی سه دورہٗ نبوی چیزِ جز تحقق اومگایی نبوت زمانی عهد ابرام و پولس دربارهٗ 430 سال نیست، چنان‌کہ در 1290 سال آیهٗ یازدهم بازنموده شده است. این آیه، هنگامی کہ با فهم میلریتی بدان نزدیک شویم، یک دورہٗ سی‌سالهٗ آمادگی برای پاپیت را مشخص می‌سازد و سپس 1260 سال آزار پاپی را کہ در پی آن می‌آید. 430 سال ابرام، بندگی و رهایی را در یک ملت معین نمایندگی می‌کند، همراه با این حقیقت کہ سی سال نخست نشان‌دهندهٗ داخل شدن خداوند به عهد با ابرام است. سی سال آمادگی برای کاهنان در 1989، در زمان آخر، آغاز شد و این سی سال در قانون یکشنبه به پایان می‌رسد، هنگامی کہ آیه مشخص می‌سازد کہ مکروه ویرانی برپا خواهد شد، و سپس قوم خدا را به مدت 1260 سال نمادین آزار خواهد داد، در انطباق با 42 ماه نمادین یوحنا در مکاشفہ سیزدهم.

د یو لک او څلور څلوېښت زرو اصلاحي خوځښت په ۱۹۸۹ کال کې پیل شو، کله چې څښتن خپل کار د دې لپاره پیل کړ چې یوه کاهنانه ډله چمتو کړي څو د نیمې شپې د بحران پر مهال، چې د یکشنبې د قانون په راپیلېدو سره پیلېږي، خدمت وکړي. الفا او اومیگا د حدیکل پر اوبو ودرېد او دواړه لاسونه یې آسمان ته پورته کړل، او قسم یې وخوړ چې کله د ۲۰۲۰ کال د جولای له ۸مې څخه تر ۲۰۲۳ کال د جولای پورې خورېدنه بشپړه شي، نو هغه عجایب به، چې د مسیح له هغه کار سره تړلي دي چې خپله الوهیت له انسانیت سره یوځای کوي، پای ته ورسېږي.

این همان اعلام باب دهم است، در امتداد هفت رعد، زیرا او نه تنها در آنجا کاربرد نبوی زمان را به پایان رساند، بلکه همچنین تصریح کرد که در ایام به صدا درآمدن شیپور هفتم، سر خدا به انجام خواهد رسید. متن موازی در دانیال دوازدهم مشخص می‌سازد که هنگامی که پراکندگی در ژوئیهٗ ۲۰۲۳ پایان یافت، به کمال رسیدن مهر کردن قوم خدا نیز به انجام خواهد رسید؛ همان‌گونه که با به صدا درآمدن شیپور هفتم بازنمایی شده است، که در هر دو متن موازی هم‌زمان بود با آنکه مسیح دست خود را برافراشت و سوگند یاد کرد.

نخستین دورہٗ نبوی و آخرین دورہٗ نبوی پیام سه‌گانهٗ دانیال دوازده، حامل مَهرِ آلفا و اُمگا است. نخستین دورہٗ آیهٗ هفت، پایان همان دورہ‌ای را مشخص می‌سازد که آیهٗ دوازده آغاز آن را نشان می‌دهد. در میان آیاتِ هفت و دوازده، تاریخ زمان آخر از ۱۹۸۹ تا پایان مهلت فیض به تصویر کشیده شده است. در میانهٗ دورہٗ آلفای آیهٗ هفت و تاریخ اُمگای آیهٗ دوازده، شورش نهایی بشریت از زمان قانون یکشنبه تا هنگامی که میکائیل برخیزد، به تصویر کشیده شده است؛ و این امر در همان فصلی به تصویر کشیده شده که در آن میکائیل برمی‌خیزد.

بغاوت کے درمیانی دور کی تاریخ بنیادی طور پر بغاوت کی بیرونی تاریخ ہے، لیکن پہلے تیس برس اُن کاہنوں کی تیاری کی اندرونی تاریخ ہیں جو بعد کے 1260 کے دور میں ظاہر ہونے والی بیرونی قوتوں کے ساتھ براہ راست مقابلے میں ہوتے ہیں۔

میانی دور عبرانی حروفِ تہجی کے تیرھویں حرف کی بغاوت کی نمائندگی کرتا ہے، اور یہ باطنی پہلو کے ساتھ مل کر زمین پر عظیم تنازع کے آخری معرکے کو پیش کرتا ہے، جبکہ مهلت آزمائش ابھی باقی ہے۔ اس کا ظاہری اور باطنی امتزاج دانی ایل کی آخری رویا کا بھی پیغام ہے، جس کی نمائندگی دریائے حدیقل اور ان تین ابواب سے ہوتی ہے جو الفا اور اومیگا کی مہر بھی رکھتے ہیں اور حق کی ساخت پر قائم ہیں۔ پہلا اور آخری باب خدا کے لوگوں کی مہر بندی پر گفتگو کرتے ہیں، جنہیں ان ستاروں کے طور پر پیش کیا گیا ہے جو ابد تک چمکتے رہتے ہیں۔ بغاوت کا درمیانی باب اسی تاریخ کی نشان دہی کرتا ہے

جو آیت گیارہ میں 1290 برس کے ساتھ ظاہر کی گئی ہے، اور یہی اسی ساخت کی عین درمیانی آیت ہے۔

کلہ چپ مسیح پہ نبوی جو ریش ت کپ خپل لاس کاروی، هغه د ډېرو حقیقتونو استازیتوب کوي، خو همدارنگه د هغې لارې استازیتوب هم کوي چپ هغه خپل قوم پرې رهبري کوي. د عیسی مسیح مکاشفه د ۲۰۲۳ کال په جولای کپ د مهورونو له خلاصولو سره پیل شوه. په دې خلاصولو کپ د اوو تندرونو خلاصول او د دانیال پیغام هم شامل دی، لکه څنګه چپ په دولسم فصل کپ استازیتوب شوی دی. دا خلاصول د څلوېښتم آیت په پټې تاریخ کپ واقع کېږي، هغه تاریخ چپ په ۱۹۸۹ کپ پیل شوی او د یکشنبې تر قانون پورې پای ته رسېږي. په هغه تاریخ کپ به د خدای قوم مهر شي، او هغوی د روح القدس په توپیدو مهر کېږي. د روح القدس وروستنی توپیدنه د مکاشفې په اتم فصل کپ څرګندېږي، چېرې چپ دا د اووم، او له همدې امله د وروستي مهر په توګه استازیتوب شوې ده. د یهودا د قبیلې زمري په پنځم فصل کپ غالب شو، څو هغه کتاب پرانيزي چپ په اوو مهورونو مهر شوی و.

مهر ششم نه باب چه کے اختتام پر یہ سوال اٹھایا کہ اُس زمانہ میں، جب گناہ کے لیے مزید شفاعت نہ رہے گی، کون قائم رہ سکے گا۔

زیرا روز عظیم غضب او فرارسیده است؛ و کیست که بتواند بایستد؟ مکاشفه ۶:۱۷.

فصل بعدی، یا می توان گفت آیه بعدی، مهر شدن صد و چهل و چهار هزار تن و آن جماعت عظیم را که در خلال بحران قانون یکشنبه به پادشاهی خدا گرد آورده می شوند، معرفی می کند. صد و چهل و چهار هزار تن، پاسخ پرسش مهر ششم هستند. پس از آنکه ایشان در فصل هفتم به تصویر کشیده می شوند، آنگاه فصل هشتم برداشته شدن مهر هفتم و نهایی را مشخص می سازد.

اور جب اُس نے ساتویں مهر کھولی تو آسمان میں قریب آدھ گھڑی تک خاموشی رہی۔ اور میں نے اُن سات فرشتوں کو دیکھا جو خدا کے حضور کھڑے رہتے ہیں؛ اور انہیں سات نرسنگے دیے گئے۔ پھر ایک اور فرشتہ آیا اور قربان گاہ پر کھڑا ہوا، اُس کے پاس سونے کا بخوردان تھا؛ اور اُسے بہت سا بخور دیا گیا تاکہ وہ اُسے سب مقدسوں کی دعاؤں کے ساتھ اُس سونے کی قربان گاہ پر چڑھائے جو تخت کے سامنے تھی۔ اور بخور کا دھواں، جو مقدسوں کی دعاؤں کے ساتھ تھا، فرشتے کے ہاتھ سے خدا کے حضور اوپر کو اُٹھ گیا۔

و فرشتہ مجمر را برگرفت و آن را از آتش مذبح پر کرد و بر زمین افکند؛ و آوازا و غرش های رعد و برق ها و زلزله ای پدید آمد. مکاشفه ۸:۱-۵.

«آتش» کہ در فصل ششم اشعیا به صورت «اخگر» نمود یافته است، و خواهر وایت آن را نماد تطهیر معرفی می کند، از مذبح برداشته شده و بر زمین افکندہ می شود. «آتش» ی کہ از آسمان در پنتیکاست نازل شد، به صورت زبان های «آتش» نمود یافت. «آتش» همان چیزی است کہ رسول عهد برای تطهیر پسران لاوی به کار می برد.

«کہ بادبیزن او در دست اوست، و خرمنگاه خود را به کلی پاک خواهد ساخت، و گندم خویش را در انبار گرد خواهد آورد.» متی ۱۳:۱۲. این یکی از زمان های پالایش بود. به وسیله کلمات حق، گاہ از گندم جدا می شد. چون بسیاری بیش از حد باطل گرا و خودپارسا بودند کہ توبیخ را بپذیرند، و بیش از اندازه دنیادوست بودند کہ زندگی فروتنی را قبول کنند، از عیسی روی گردان شدند. بسیاری هنوز نیز همین کار را می کنند. امروز جان ها آزموده می شوند، همان گونه کہ آن شاگردان در کنیسه کفرناحوم آزموده شدند. هنگامی کہ حقایق بر دل وارد می شود، می بینند کہ زندگی شان با اراده خدا مطابق نیست. آنان نیاز به تغییری کامل در خود می بینند؛ اما حاضر نیستند این کار انکار

نفس را بر عهده گیرند. از این رو، هنگامی که گناهانشان آشکار می شود، خشمگین می گردند. ایشان آزردۀ خاطر دور می شوند، همان گونه که شاگردان عیسی را ترک کردند و زیر لب می گفتند: «این سخنی سخت است؛ که تاب شنیدن آن را دارد؟» اشتیاق اعصار، ۳۹۲.

آتش همان چیزی بود که بر قربانی ایلیا فرود آمد، چنان که بر قربانی جدعون برای فرشته نیز فرود آمد. «آتش» تطهیر، کلام خدایت، زیرا مقدس گردانیده شدن، همانا تقدیس شدن به وسیله کلام اوست. «آتش» که هنگامی که مهر هفتم برداشته می شود بر زمین افکنده می گردد، بیانگر توان بخشی پیام نبوی ای است که در ایام آخر گشوده می شود، در هنگام نواخته شدن شیپور هفتم، در طی تحقق نهایی و کامل وقایعی که به وسیله هفت رعد نمایانده شده اند و به وسیله سه دوره نبوی دانیال دوازده که تا ایام آخر مهر و موم شده بودند تأیید گردیده اند.

مکاشفۀ عیسی مسیح که درست پیش از پایان مهلت آزمایش بشر گشوده می شود—شامل گشوده شدن هفت رعد، برداشته شدن مهر هفتم، گشوده شدن دانیال دوازده، و گشوده شدن تاریخ پنهان آیه چهل دانیال یازده است؛ همان تاریخی که در آن فرشته از آن مرد ملبس به کتان پرسید که پایان این عجایب چه خواهد بود.

آن مرد ملبس به کتان پاسخ داد و گفت: «وقتی به پایان زمان درنگ در ژوئیه ۲۰۲۳ می رسید، به تاریخ مهر شدن یکصد و چهل و چهار هزار تن رسیده اید.»

او همچنین گفت—در پایان سه ونیم روز نمادین مکاشفۀ یازده، پیامی نبوی از کتاب دانیال گشوده خواهد شد، چنان که به طور نمادین با زمان آخر در سال ۱۷۹۸ نشان داده شده است. حقیقتی که آنگاه، در پایان سه ونیم روز نمادین، گشوده می گردید، دقیقاً در همان نه آیه از کتاب دانیال قرار داشت که مهر و گشوده شدن کتاب دانیال را مشخص و تعریف می کند.

ما این مطالب را در مقاله بعدی ادامه خواهیم داد.

«هنگامی که مسیح به این زمین آمد، سنت هایی که از نسلی به نسل دیگر سپرده شده بود، و تفسیر انسانی کتب مقدس، حقیقت را آن گونه که در عیسی است از مردم پنهان می کرد. حقیقت در زیر انبوهی از سنت مدفون شده بود. معنای روحانی مجلدات مقدس از میان رفته بود؛ زیرا مردم در نابوری خود، در گنج آسمانی را بسته بودند. تاریکی زمین را پوشانیده بود، و ظلمت غلیظ قوم ها را. حقیقت از آسمان بر زمین می نگرست؛ اما در هیچ جا نقش مهر الهی آشکار نبود. تیرگی ای همچون کفن مرگ بر سراسر زمین گسترده شده بود.»

«اما شیر سبط یهودا غالب آمد. او مہری را که کتاب تعلیم الهی را بسته بود، گشود. به جهان اجازه داده شد که بر حقیقت پاک و بی آمیغ بنگرد. خود حقیقت فرود آمد تا تاریکی را واپس زند و با خطا مقابله کند. معلمی از آسمان فرستاده شد با نوری که می بایست هر انسانی را که به جهان می آید روشن سازد. مردان و زنانی بودند که با اشتیاق در جست و جوی معرفت، یعنی کلام یقینی نبوت، بودند؛ و چون آن آمد، همچون نوری بود که در جای تاریک می تابد.» Spalding Magan, 58.

«کاتبان و فریسیان ادعا می کردند که کتب مقدس را تفسیر می کنند، اما آن ها را بر وفق افکار و سنن خویش تفسیر می نمودند. آداب و اصولشان هرچه بیشتر سخت گیرانه تر می شد. در معنای روحانی خود، کلام مقدس برای مردم همچون کتابی مهرشده گردید، بسته بر فهم ایشان.» Signs of the Times, May 17, 1905